

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان‌شناسی
گروه زبان‌شناسی همگانی

رساله دکتری رشته زبان‌شناسی همگانی کارکردهای عبارت‌های فرمولواره‌ای در زبان فارسی

استاد راهنما:
دکتر آریتا افراشی

استادان مشاور:
دکتر سید مصطفی عاصی
دکتر فاطمه راکعی

پژوهشگر:
مجتبی کاوه

تیر ماه ۱۳۹۸

سپاسگزاری

به ثمر رسیدن پژوهش حاضر را مدیون زحمات بی‌شائبه اساتید بزرگواری هستم که در تمام سال‌های عمرم از وجودشان بهره‌های فراوان برده‌ام. نهایت قدردانی را دارم از استاد عزیزم جناب آقای دکتر سید مصطفی عاصی مدیریت محترم پژوهشکده و دیگر اساتید کرسی زبان‌شناسی که حقیر را در مقطع دکتری به شاگردی پذیرفتند. همچنین تشکر می‌کنم از استاد صبور و زحمتکشم سرکار خانم دکتر آزیتا افراشی که عالمانه و پیگیرانه در پیشرفت پژوهش حاضر یاری‌ام نمودند. همچنین مراتب قدردانی را از خانم دکتر فاطمه راکعی به پاس همراهی‌شان در انجام این پژوهش دارم. همچنین از پروفسور الیسن ری (دانشگاه کاردیف)، پروفسور کوئنارد کوپپر (دانشگاه کنتربری)، و دکتر کوروش صابری (دانشگاه سراسری کرمانشاه)، پروفسور نوربرت اشمیت (دانشگاه ناتینگهام) پروفسور دیوید وود (دانشگاه اُتاوا) نهایت سپاسگزاری را دارم که با راهنمایی‌های فراوان و ارائه مطالب علمی بنده را مساعدت فرمودند. همچنین از سرکار خانم دکتر رستم بیک، جناب آقای دکتر پاکتچی، و جناب آقای دکتر فامیان که زحمت داوری رساله را کشیده‌اند نهایت قدردانی را دارم. از همکلاسی‌های عزیزم در دوره ارشد و دکتری به پاس لحظات خوشی که در کنار هم داشتیم نهایت سپاسگزاری را دارم. در نهایت از خانواده عزیز و همسر شکیبا و فداکارم نهایت تشکر را دارم که در انجام این پژوهش پشتیبانم بوده‌اند. برای همه این بزرگواران آرزوی بهروزی و تندرستی دارم.

تقديم به:

همه آموزگارانم...

چکیده

زبان فرمول‌واره‌ای^۱ پدیده ایست که در چند دهه گذشته توجه پژوهشگران بسیاری را در حوزه‌های مختلف از جمله فرهنگ‌نگاری، ترجمه، فراگیری زبان اول و دوم، تحلیل گفتمان، روایت‌شناسی، زبان‌پیریشی، ساختواژه، و کاربردشناختی، و غیره به خود جلب کرده‌است. فرمول‌واره‌ها^۲ توالی‌ای پیوسته و یا گسسته از واژه‌ها و یا دیگر عناصر زبانی‌اند که آماده و از پیش ساخته می‌باشند و به نظر می‌رسد به‌طور یک جا فرا گرفته می‌شوند، به‌طور یک جا در حافظه ذخیره می‌شوند و در هنگام استفاده به‌جای اینکه توسط دستور زبان تولید و تحلیل شوند به صورت واحدی کلی از حافظه بیرون کشیده می‌شوند. برخی از فرمول‌واره‌ها دارای تعدادی جایگاه‌های تهی^۳ و برخی جایگاه‌های پُر می‌باشند که توسط عناصری از مقوله‌های خاص تکمیل می‌گردند. مطالعه فرمول‌واره‌ها در حقیقت بررسی سازوکارهایی است که زبان برای رهایی از تکلف تولید و پردازش عبارات جدید و خلق‌الساعه در خود تنیده است. این پژوهش ضمن معرفی این پدیده و برشمردن انواع آن در زبان فارسی به این پرسش‌ها می‌پردازد که توالی‌های فرمول‌واره‌ای در فارسی در قسمت عناصر متغیر (تهی) خود عمدتاً از چه مقولات واژگانی استفاده می‌کنند، در چه معنایی (اصطلاحی یا تحت‌اللفظی) به کار می‌روند، و دلیل برتری آن‌ها نزد گویشوران نسبت به دگرگفت تحت‌اللفظی‌شان چیست. داده‌های پژوهش با استفاده از پیکره‌های زبانی و مشاهدات شخصی گردآوری شدند. انگاره پردازش دوسطحی مبنای تحلیل این توالی‌ها قرارگرفت و در تحلیل آن‌ها نگارنده از شم زبانی خود و دیگر گویشوران و مراجعه به واژه‌نامه‌های فارسی بهره گرفته است. تنوع بافت‌هایی که فرمول‌واره‌ها در آن‌ها به کار می‌روند نشان می‌دهد که آن‌ها تقریباً در تمامی بافت‌های اجتماعی-فرهنگی تکرار شونده (از جمله احوالپرسی، خداحافظی، عذرخواهی، تشکر، درخواست، یادآوری، انتقاد، تهدید، شکوه، قول دادن، همدردی و غیره) به کار می‌رود. با بررسی داده‌هایی از زبان فارسی مشخص گشت که فرمول‌واره‌ها عمدتاً در معنای اصطلاحی (و کمتر تحت‌اللفظی) به کار می‌روند و در قسمت عناصر متغیر خود عمدتاً از گروه‌های اسمی استفاده می‌کنند. همچنین نیروی مکالمه‌ای نهفته در فرمول‌واره‌ها علت برتری آن‌ها به دگرگفت تحت‌اللفظی‌شان می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: عبارت‌های فرمول‌واره‌ای، فرمول‌واره‌های ثابت، فرمول‌واره‌های نیمه‌پیش‌ساخته، توصیف ساختاری، توصیف معنایی

¹ formulaic language

² formulae

³ open slots

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱
فصل اول (کلیات)	۴
۱-۱ مقدمه	۵
۲-۱ تعریف فرمولواره	۹
۳-۱ فرمولواره‌ها و ایجاد موقعیت طنز	۱۲
۴-۱ ظهور و افول فرمولواره‌ها	۱۴
۵-۱ انواع فرمولواره‌ها	۱۴
۱-۵-۱ فرمولواره‌های ثابت	۱۵
۲-۵-۱ فرمولواره‌های نیمه‌ثابت (زایا)	۱۵
۳-۵-۱ فرمولواره‌های ثابت مشارک دوم	۱۷
۴-۵-۱ فرمولواره‌های زایای مشارک دوم	۱۸
۵-۵-۱ فرمولواره‌های فاقد هرگونه اجزای ثابت	۲۰
۶-۱ فرمولواره‌ها و عبارتهای بدیع؛ وضعیت پیش‌فرض کاربرد زبان	۲۲
۷-۱ شأن وجودی فرمولواره‌ها در زبان	۲۴
۸-۱ فرمولواره‌ها و تغییرات تاریخی زبان	۲۵
۱-۸-۱ تابوردایی	۲۶
۹-۱ نخستین مشاهدات	۲۶
۱۰-۱ فرمولواره‌ها و آموزش زبان	۲۷
۱۱-۱ پرسش‌های پژوهش	۲۷
۱۲-۱ فرضیه‌های پژوهش	۲۷
۱۳-۱ ضرورت انجام پژوهش حاضر	۲۸
۱۴-۱ هدف و انگیزه پژوهش	۳۰
۱۵-۱ روش گردآوری داده‌ها و انجام پژوهش	۳۰
۱۶-۱ ساختار پژوهش	۳۰
۱۷-۱ محدودیت‌های پژوهش	۳۱

۳۲	 فصل دوم (مروری بر آثار پیشین)
۳۳	 ۱-۲ مقدمه
۳۳	 ۲-۲ مطالعات بر روی زبان فارسی
۳۳	 ۱-۲-۲ انوری (۱۳۸۲)
۳۴	 ۲-۲-۲ ورتنیکوف (۱۹۹۵)
۳۵	 ۳-۲-۲ پناهی (۱۳۷۹)
۳۶	 ۴-۲-۲ نجفی (۱۳۸۷)
۳۷	 ۵-۲-۲ کاوه (۱۳۹۰)
۳۹	 ۶-۲-۲ وفایی (۱۳۹۱)
۵۳	 ۷-۲-۲ صابری (۲۰۱۴)
۴۳	 ۳-۲ مطالعات غیر فارسی‌زبانان
۴۳	 ۱-۳-۲ پاولی وسایدر
۴۵	 ۲-۳-۲ ون لنکر سیدتیس
۴۶	 ۳-۳-۲ لیندکوئیست (۲۰۰۹)
۴۹	 ۴-۳-۲ کوئرک و همکاران (۱۹۷۲)
۵۰	 ۴-۲ خلاصه
۵۱	 فصل سوم (مبانی نظری)
۵۲	 ۱-۳ مقدمه
۵۲	 ۲-۳ اصطلاح‌شناسی
۵۴	 ۳-۳ پرسش‌های نظری
۶۰	 ۴-۳ مقایسه‌ی پردازش عبارات فرمولواره‌ای ثابت و زایا؛ تعامل و هم‌گرایی دو وضعیت پردازشی
۶۲	 ۵-۳ تعریف مفاهیم و اصطلاحات پژوهش
۶۲	 ۱-۵-۳ توالی فرمولواره‌ای
۶۲	 ۲-۵-۳ فرمولواره زایا
۶۳	 ۳-۵-۳ عبارات بدیع
۶۴	 ۴-۵-۳ خرده‌دستور
۶۴	 ۵-۵-۳ تصریف فرمولواره

۶۴	۳-۵-۶ بسط فرمولواره
۶۵	۳-۵-۷ شأن فرمولواره‌ای
۶۵	۳-۵-۸ عرف اجتماعی
۶۶	۳-۵-۹ قطبیت
۶۶	۳-۵-۱۰ توصیف ساختاری
۶۶	۳-۵-۱۱ توصیف معنایی
۶۷	۳-۵-۱۲ ساخت‌های خویشاوند
۶۷	۳-۶ خلاصه
۶۸	فصل چهارم (تحلیل داده‌ها)
۶۹	۴-۱ مقدمه
۷۰	۴-۲ ساختار فرمولواره‌ها و شیوه‌ی تحلیل داده‌ها
۷۲	۴-۳ معیارهای اصلی در طبقه‌بندی و تحلیل فرمول‌واره‌ها
۷۲	۴-۴ کارکرد عبارت‌های فرمولواره‌ای
۷۴	۴-۴-۱ برجسته‌سازی
۷۷	۴-۴-۲ سرزنش و انتقاد
۷۸	۴-۴-۳ بیان عدم اهمیت وقوع /عدم وقوع موضوعی
۸۰	۴-۴-۴ بیان تداوم عملی
۸۱	۴-۴-۵ تعمیم دادن (کلّ به جز)
۸۲	۴-۴-۶ اشاره به پیامدی ناخوشایند / ناخواسته در پی عملی غیر عمد
۸۲	۴-۴-۷ انقطاع عملی توسط عملی دیگر
۸۳	۴-۴-۸ تأکید بر عدم وقوع قولی / وعده‌ای
۸۴	۴-۴-۹ بیان اهمیت گزاره نخست نسبت به گزاره دوم
۸۴	۴-۴-۱۰ مخالفت با پیشنهاد /درخواستی (به همراه تحکم و برتری و فرادستی در گفتمان)
۸۵	۴-۴-۱۱ بیان برابری و تساوی دو شیء/پدیده / عمل
۸۵	۴-۴-۱۲ بیان ناامیدی از شخصی /چیزی /پدیده‌ای
۸۶	۴-۴-۱۳ بیان عدم اهمیت موضوعی که به باور حاکم بر گفتمان دارای اهمیتی است
۸۶	۴-۴-۱۴ تأکید بر اهمیت پدیده‌ای که به وقوع پیوسته است

۸۶	۴-۴-۱۵ واقع نشدن عملی (با وجود / وقوع ملزومات آن)
۸۸	۴-۴-۱۶ تأکید بر عدم امکان وقوع امری
۸۸	۴-۴-۱۷ بیان برتری کسی / چیزی در مقایسه با دیگر انواع آن
۸۸	۴-۴-۱۸ نامطلوب نشان دادن یک وضعیت از طریق تقابل آن با یک وضعیت ناپسند
۸۹	۴-۵ خلاصه
۹۱	فصل پنجم نتیجه‌گیری
۹۲	۵-۱ مقدمه
۹۳	۵-۲ بررسی پرسش‌ها و محک فرضیه‌ها
۹۸	۵-۳ نتایج فرعی پژوهش
۱۰۲	۵-۴ محدودیت‌های پژوهش
۱۰۲	۵-۵ پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی
۱۰۴	کتابنامه
۱۰۹	واژه‌نامه
۱۱۸	چکیده انگلیسی

فهرست جدول‌ها و نمودارها

جدول ۱-۱ فرمولواره‌های ثابت مشارک دوم	۱۷
جدول ۲-۱ فرمولواره‌های زایای مشارک دوم	۱۸
جدول ۳-۱ فرمولواره‌های فاقد عناصر ثابت	۲۰
جدول ۴-۱ فرمولواره‌های دارای شأن ضرب‌المثل	۲۱
نمودار ۱-۳- وضعیت ساختاری فرمولواره‌ها، فرمولواره‌های زایا و عبارات بدیع	۶۱
جدول ۱-۴- نمایش ساختار درونی فرمولواره ۱-۴-۴ (ب) و تغییر قطبیت آن	۷۴
جدول ۲-۴- رابطه‌ی بین قطبیت فعل و معنای اجمالی فرمولواره‌ی ۳-۴-۴	۷۹
جدول ۱-۵- مقایسه معنای اصطلاحات، فرمولواره‌ها، و زبان بدیع	۹۴
جدول ۲-۵- مقایسه فرمولواره‌ها و دگرگفت تحت‌اللفظی‌شان	۱۰۴
نمودار ۱-۵- پیوستار فرضی عبارت‌های بدیع (- -) و فرمولواره‌ها (X X)	۱۰۷

پیشگفتار

از اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی با ارائه نظریه چامسکی تلاش عمده زبان‌شناسان در جهت کشف ویژگی زبانی زبان معطوف شد و عمده آثار زبان‌شناسان محدود به کشف روابط صوری در زبان خصوصاً در سطح جمله گشت. زبانی و خلاقیت تنها ویژگی‌های زبان بودند که به‌طور عمده بررسی می‌شدند. اما با گذشت چند دهه یافته‌های زبان‌شناسان در عرصه‌های گوناگون به‌ویژه روان‌شناسان زبان و زبان‌شناسان پیکره‌ای ویژگی‌ای از زبان را برجسته ساختند که بر مبنای سازوکار تقلید بود. به باور اینان بسیاری از ساخت‌های زبان نه حاصل زایش بلکه حاصل تقلید و به کار بردن ساخت‌های از قبل موجود نزد گویشوران بود.

زبان‌شناسی در حالی وارد قرن بیست و یکم شد که این پرسش از سوی منتقدان زبان‌شناسی زایشی مطرح بود که آیا گویشوران حقیقتاً از ویژگی زبانی زبان به میزان تأکیدی که زایشی‌ها بر آن دارند استفاده می‌کنند. زیرا پژوهش‌های زبانی به‌ویژه نوع متأخر آن که بر اساس پیکره‌های زبانی بودند نشان دادند که آن کاربردی از زبان که در عمل مشاهده می‌شود به طرز تأمل‌برانگیزی از ظرفیت زبانی زبان اجتناب کرده و تأکیدی چشمگیر بر استفاده از الگوهای موجود و عبارت‌های پیش‌ساخته دارد.

اگرچه زبان‌شناسی زایشی بر این باور است که با دانستن تعداد محدودی قواعد دستوری زبان‌ویژه و در اختیار داشتن واژگان می‌توان هر عبارتی را به‌طور خلق‌الساعه تولید کرد و از پس هر موقعیت ارتباطی برآمد، اما در عمل می‌بینیم که زبان‌های بشری در مقابل این رویکرد تمایل به ذخیره کردن زنجیره‌های نسبتاً طولانی در انباره واژگانی خود دارند تا بتوانند در صورت نیاز بجای آنکه توسط دستور زبان و تعامل آن با واژگان این عبارت‌ها را تولید کنند آن عبارت‌های از پیش‌ساخته‌شده را به‌صورت واحدی کلی از ذهن خارج کرده مورد استفاده قرار دهند. درواقع می‌توان این‌گونه پنداشت که تکلف تولید و پردازش عبارت‌های بدیع و خلق‌الساعه در زبان به حدی بوده است که زبان‌ها به خاطر سپردن حجم عظیمی از عبارت‌های از پیش‌ساخته‌شده (در حدود چندین برابر واژگان اصلی زبان) را بدان ترجیح داده‌اند. درواقع اگر با شیوه گالیله‌ای به مفهوم فوق بنگریم می‌توان دو مسیر محتمل را مدنظر داشت که در حالت نخست موتور زبان متشکل از واژه‌های منفرد به همراه قواعد زبان است. اما در حالت دوم علاوه بر واژه‌های منفرد و قواعد دستوری زبان دارای تعداد بسیار زیادی از توالی‌های چند واژه‌ای (مانند اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها، اشعار، اذکار، ادعیه، شعارها، و غیره) می‌باشد. در حالت نخست می‌توان ادعا کرد که بار بسیار اندکی بر دوش حافظه سپرده می‌شود، اما در عوض برای هر موقعیت ارتباطی می‌بایست یک زایش رُخ دهد، به‌گونه‌ای که دستور با به‌کارگیری واژگان، عبارت مورد استفاده در یک موقعیت ارتباطی خاص را بیافریند. اما در حالت دوم اگرچه بار بسیار سنگین‌تری بر دوش حافظه سپرده شده است، در مقابل در

بسیاری از موقعیت‌های ارتباطی (به‌ویژه موقعیت‌های تکرارشونده) از زحمت تولید (گوینده) و پردازش (شنونده) منتفی می‌باشد. همان‌گونه که گاليله شیوه عملی پرواز پرنده را بهترین شیوه ممکن از بین تمام شقوق محتمل می‌دانست، اینجا نیز می‌توان وضعیت واقعی زبان (شقّ دوم) را نسبت به وضعیت فرضی (شقّ نخست) در اولویت دانست و از این رهگذر گامی کوچک در درک چگونگی نظام زبان و ساختار ذهن برداشت.

توالی‌هایی که زبان علاوه بر واژه‌های منفرد به واژگان می‌سپارد در این پژوهش تحت عنوان عبارت‌های فرمولواره‌ای موردبررسی قرار می‌گیرند. این اصطلاح اطلاقی است که پس از تنازع فراوان اصطلاح شناختی این پدیده در بین پژوهش‌گران این عرصه اقبال عام یافت. فرمولواره‌ها در نظام زبان به‌مثابه واحدهای پیش‌ساخته‌ای می‌باشند که موجب تسهیل و تسریع فراوان در بنای سازه‌های عمرانی می‌گردند. مسائلی از این قبیل که؛

این توالی‌ها کدام‌اند؟

تعریفی مانع و جامع که بتوان آن را ملاک شناسایی این توالی‌ها قرارداد چیست؟

این توالی‌های از پیش‌ساخته در انتقال مفاهیم از چه سازوکاری بهره می‌گیرند؟

چگونه شأن یک واحد کلی به خود می‌گیرند؟

به چند دسته تقسیم می‌شوند؟

چه نقشی در نظام زبان ایفا می‌کنند؟

میزان پایداری قابل‌توجه آن‌ها در بیماران زبان‌پریش نشانگر چیست؟

صرف‌نظر کردن از آن‌ها برای زبان به چه بهایی تمام می‌شود؟ و غیره، همگی پرسش‌هایی هستند که در چند دهه گذشته توجه پژوهشگران بسیاری را از حوزه‌های مختلف از قبیل فرهنگ‌نگاری، مطالعات ترجمه، فراگیری زبان اول و دوم، روان‌شناسی زبان، زبان‌شناسی رایانشی، تحلیل گفتمان، گویش‌شناسی، روایت‌شناسی، زبان‌پریشی، و غیره به خود جلب کرده است. زبان‌شناسان نحل گوناگون ازجمله نقش‌گرایان، شناختی‌ها، روان‌شناسان زبان، توصیف‌گرایان (زبان‌شناسان نظریه خنثی) و پژوهش‌گران عرصه آموزش زبان هریک به بررسی این پدیده علاقه فراوان نشان داده‌اند.

تا آنجا که نگارنده می‌داند این رساله نخستین پژوهشی است که در مقطع دکتری زبان‌شناسی در ایران به موضوع زبان فرمولواره‌ای، انواع و کاربرد آن در زبان فارسی می‌پردازد. پژوهش حاضر به بررسی موضوعی می‌پردازد که اگرچه در ادبیات زبان‌شناسی دارای قدمت فراوان نیست، اما پیش از زبان‌شناسان این پزشکان بودند که به این ویژگی زبانی اشاره داشته در منابع خود آن را توصیف کرده بودند. نخستین

بررسی‌ها و مشاهدات در خصوص عبارت‌هایی پیش‌ساخته در اندازه‌هایی خارج از انتظار در زبان به واسطه قرن نوزدهم و دست‌نوشته‌های جان جکسون برمی‌گردد که علاقه‌مند به تحقیق در خصوص بیماران زبان‌پریش بود، به‌طوری‌که دریافت، ساخت و تولید جملات نو برای آن دسته از بیماران مبتلا به آسیب مغزی در قسمت مربوط به تولید عبارات زبانی (قسمت بروکا) میسر نبود، ولی در مقابل استفاده از عبارات از پیش‌ساخته‌شده همانند اشعار دارای آهنگ، مناجات و احوال‌پرسی‌های روزمره به‌راحتی برای آن‌ها امکان‌پذیر بود.

از پاییز ۱۳۸۷ از زمانی در سر کلاس استاد عزیزم دکتر عاصی نخستین جرعه‌های مبحث زبان فرمولواره‌ای در ذهنم ایجاد شد درست ده سال می‌گذرد. حقیقتاً می‌توانم بگویم که یک دهه با این موضوع زندگی کرده‌ام و تقریباً به موضوع دیگری نپرداختم، هنگامی که در زمستان ۱۳۹۰ از پایان‌نامه کارشناسی ارشد دفاع کردم هرگز این قصد را نداشتم که ادامه این موضوع را در دوره دکتری پیگیری کنم. اما راهنمایی‌ها و تشویق‌های استاد عزیزم دکتر افراشی بنده را به فکر فرو داشت که این راه نیمه رفته را به اتمام برسانم. نبود پژوهشگرانی که در این عرصه قلم‌فرسایی کنند، نبود معادل‌های مناسب برای اصطلاحات تخصصی، نبود منابع کافی و ماهیت پیشگامی پژوهش از جمله عواملی بودند که به‌شدت بر کیفیت آن تأثیر گذاشتند.

پژوهش حاضر در پنج فصل تدوین گشته است. فصل نخست به معرفی این پدیده، انواع و ویژگی‌های آن، تقابل آن با زبان بدیع، و جایگاه و کاربرد آن در نظام زبان می‌پردازد.

فصل دوم به بررسی پیشینه‌ی تحقیق می‌پردازد. این بخش را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. نخست بررسی آثار زبان‌شناسان ایرانی و غیر ایرانی بر روی زبان فارسی، و بخش دیگر به بررسی زبان‌شناسان غربی بر روی این پدیده می‌پردازد.

در فصل سوم چارچوب نظری پژوهش معرفی می‌گردد. بسیاری از مطالب فصل سوم نتیجه پژوهش‌های نگارنده در این موضوع می‌باشد. همچنین الگوی پردازش دوسطحی نیز برای تحلیل و پردازش فرمولواره‌های نیمه زایا معرفی می‌گردد.

فصل چهارم به بررسی داده‌های این پژوهش می‌پردازد. داده‌هایی از قبیل فرمولواره‌های ثابت، زایا، وابسته به بافت، و فرمولواره‌هایی فاقد هرگونه اجزای ثابت از جمله مواردی هستند که در این بخش تحلیل می‌شوند.

فصل پنجم به نتیجه‌گیری یافته‌های پژوهش و پاسخ به پرسش‌ها و سنجش فرضیه‌ها و ارائه موضوعاتی پیشنهادی برای پژوهش‌های آتی می‌پردازد.

فصل اول

کلیات

۱-۱. مقدمه

زبان به عنوان ابزار برقراری ارتباط امکانات مختلفی را در اختیار سخنگویان قرار می‌دهد: از عبارات کاملاً بدیع و خلاق گرفته تا عبارات کاملاً از پیش ساخته شده و آماده. هر یک از دو نوع عبارات فوق از سازوکار خاص خود برخوردارند؛ عبارت‌های بدیع از سازوکار زبانی زبان بهره می‌برند که بررسی آن موضوع غالب علم زبان‌شناسی در نیمه دوم قرن بیستم بوده است. در مقابل عبارت‌های از پیش ساخته شده هستند که تابع سازوکار تقلید و نمونه‌برداری بهره می‌برند. در نوشتار زبان‌شناسان از این عبارت‌ها و الگوهای از پیش ساخته شده که گویشوران آن‌ها را از بر دارند با عنوان زبان فرمولواره‌ای یاد شده است. پدیده زبان فرمولواره‌ای در چند دهه گذشته توجه پژوهشگران بسیاری را از حوزه‌های مختلف از قبیل فرهنگ‌نگاری، مطالعات ترجمه، فراگیری زبان اول و دوم، تحلیل گفتمان، گویش‌شناسی، روایت‌شناسی، زبان‌پریشی و غیره به خود جلب کرده است. فرمولواره‌ها توالی‌ای پیوسته و یا گسسته از واژه‌ها و یا دیگر عناصر زبانی‌اند که به‌طور ثابت و یا نیمه‌ثابت ذخیره گشته‌اند، و در لحظه صحبت به‌جای اینکه توسط دستور زبان تحلیل شوند به‌عنوان واحدی کلی از حافظه بیرون کشیده می‌شوند. غالباً معنای اصطلاحی و کمتر معنای تحت‌اللفظی دارند و معمولاً عباراتی در حد یک جمله و یا کوچک‌تر می‌باشند که به‌طور یکجا فراگرفته می‌شوند، به‌طور یکجا به کار می‌روند و به‌طور یکجا پردازش می‌شوند. فرمولواره‌ها نشان‌دهنده‌ی اتفاق نظر گویشوران زبان بر سر استفاده از یک صورت ثابت برای بیان یک مفهوم اجتماعی-فرهنگی در یک موقعیت ارتباطی خاص می‌باشند. عباراتی از قبیل *شکر میان کلامت، به پای هم پیر شین، مبارک صاحبش باشه، هر چی خاک / ایشونه عمر شما باشه* و غیره نمونه‌های اعلا‌ی فرمولواره‌ها می‌باشند. فرمولواره‌ها در مطالعات زبان‌شناختی نقطه مقابل ویژگی خلاقیت زبانی می‌باشند. بررسی‌های پیکره‌ای نشان می‌دهند که پیام‌هایی که بسیار موردنیاز هستند، اغلب از ظرفیت خلاقیت زبان اجتناب می‌کنند و زبان‌ها برای بیان این مفاهیم

غالباً ساخت‌هایی از قبل آماده در اختیار دارند. درواقع اگرچه ویژگی خلاقیت از جمله توانایی‌های انکارناپذیر زبان بشر هست، اما در بسیاری موارد شیوه‌ی ارجح برای بیان مفاهیم نیست. زیرا گرچه زبان به ما این امکان را می‌دهد تا مفهومی را به شیوه‌های گوناگونی بیان کنیم، اما گویشوران بومی هر زبان به‌خوبی می‌دانند که برای هر مفهوم صورت‌بندی ارجحی در آن زبان وجود دارد. این عبارت‌های ارجح، که معمولاً قراردادی و از پیش ساخته‌شده هستند، همان فرمولواره‌ها هستند. مطالعه‌ی فرمولواره‌ها در حقیقت بررسی سازوکارهایی است که زبان برای رهایی از تکلف تولید و پردازش عبارات بدیع و خلق‌الساعه در خود تنیده است. این پژوهش ضمن معرفی و توصیف این پدیده، نقش آن را در انتقال مفاهیم در زبان فارسی می‌کاود. از آنجایی که پژوهش حاضر از بسیاری لحاظ در زبان فارسی نوآورانه محسوب می‌شود، لذا نگارنده چند صفحه‌ای از این بخش را به معرفی پدیده و موضوعات پیرامون آن و موضوعات اصلی پژوهش اختصاص داده است. زبان‌ها معمولاً برای گویشوران خود آزادی عمل فراوانی را در بیان مفاهیم تأمین می‌کنند. این آزادی عمل در دو سطح وجود دارد که هم شامل انتخاب عناصر و هم چینش این عناصر می‌شود. به‌عنوان مثال، مجموعه مثال‌های (۱) را در نظر بگیرید:

(۱) الف- امیر مشق‌هایش را در منزل می‌نویسد.

ب- امیر تکالیفش را در منزل انجام می‌دهد.

ج- امیر مشق‌هایش را در خانه می‌نویسد.

د- برادرزاده‌ام مشق‌هایش را در خانه می‌نویسد.

تحت شرایط و بافت مناسب، تمامی جملات ذیل (۱) می‌توانند معنای کاملاً یکسانی را بیان کنند. اگر مشق‌ها همان تکالیف باشد در آن صورت دو جمله‌ی الف و ب یک معنا را منتقل می‌کنند و همچنین اگر خانه و منزل مترادف باشند آنگاه دو جمله‌ی ب و ج نیز هم‌معنا هستند و بالأخره اگر امیر در جهان خارج برادرزاده‌ی گوینده باشد می‌توان گفت که تمام جملات فوق هم‌معنا هستند.

مجموعه‌ی جملات (۱) نشان‌دهنده‌ی عناصر واژگانی می‌باشند که می‌توانند در بیان معنای یکسانی جایگزین یکدیگر شوند. همین آزادی عمل در مورد چگونگی چیدمان عناصر جمله نیز صادق است:

(۲) الف- امیر مشق‌هایش را شب گذشته در منزل نوشت.

ب- شب گذشته، امیر مشق‌هایش را در منزل نوشت.

ج- امیر بود که مشق‌هایش را شب گذشته در منزل نوشت.

د- کسی که مشق‌هایش را شب گذشته در منزل نوشت امیر بود.

در این مثال جمله‌ی اول در حالت بی‌نشان، جمله‌ی دوم مبتداسازی‌شده، جمله‌ی سوم اسنادی و جمله‌ی چهارم شبه اسنادی می‌باشد که همگی معنای گزاره‌ای یکسانی را می‌رسانند. آنچه مجموعه جملات (۲) نشان می‌دهند این است که (علاوه بر عناصر واژگانی که می‌توانند جایگزین یکدیگر شوند) ساخت‌های دستوری وجود دارند که می‌توانند در بیان معنایی واحد جایگزین یکدیگر شوند. انتخاب هر یک از این جملات وابسته به بافت می‌باشد، اما به لحاظ ارزش صدق، هر چهار جمله ارزش صدق یکسانی دارند.

آزادی عمل در انتخاب صورت‌های متعدد برای بیان مفهومی واحد، در تمامی سطوح زبانی به یک اندازه نیست. مثال‌های (۱) و (۲) نشان‌دهنده‌ی آزادی ما در ساختمان جمله است. از یک‌طرف دامن‌های انتخاب‌ها در سطح گفتمان بسیار بیشتر از سطوح دیگر است: به‌عنوان مثال رویکرد واحدی ممکن است توسط انتخاب‌ها و توالی‌های مختلفی از جمله‌ها بیان شود. از طرف دیگر هرچه به سمت عناصر زبانی کوچک‌تر از جمله و واژه پیش برویم، دامن‌های انتخاب‌ها و چینش‌های زبانی مجاز که می‌توانند جایگزین یکدیگر شوند کاهش می‌یابد. در ساختمان یک واژه، یک تکواژ در بسیاری موارد نمی‌تواند جایگزین تکواژ دیگری شود، حتی اگر معنایی مشابه و یکسان با آن داشته باشد. ترتیب تکواژها را نیز نمی‌توان تغییر داد. شماره‌ی (۳) و (۴) این دو موضوع را به ترتیب در واژه‌های مرکب و مشتق نشان می‌دهند:

(۳) الف - رصدخانه

ب- * رصد منزل

ج- * خانه رصد

(۴) الف- بی‌وفایی

ب- * نا - وفایی

ج- * وفایی - بی

تا اینجا این‌طور به نظر می‌رسد که درحالی‌که تشکیل واژه از زنجیره‌های آوایی و سپس از تکواژها، تنوع صورت محدود و یا غیرممکن دارد، اما در شکل‌گیری جمله از واژه‌ها و شکل‌گیری گفتمان از جمله‌ها انتخاب‌های مجاز بسیاری وجود دارد.

سینکلر^۱ (۱۹۹۱: ۱۰۹) عبارت «اصل انتخاب آزاد»^۲ را برای بیان این موضوع به کار می‌برد که متن – جملات و گفتمان‌ها – می‌تواند از تعداد بسیاری انتخاب‌های پیچیده منتج شود. وی همچنین به این نکته

^۱ J. Sinclair

^۲ the open choice principle

اشاره می‌کند که انواع به‌خصوصی از متن‌ها آزادی انتخاب بسیار محدودتری را عرضه می‌دارند. وی اصل انتخاب آزاد را با «اصل اصطلاح»^۱ در تقابل قرار داد. اصل اصطلاح بیان می‌دارد که متن‌ها معمولاً شامل تعداد بسیار زیادی از عبارت‌های نیمه پیش‌ساخته می‌باشند که اگرچه ممکن است به‌ظاهر قابل تجزیه به اجزای خود باشند اما یک انتخاب واحد را تشکیل می‌دهند. به‌عنوان مثال نمونه‌های (۶) را در نظر بگیرید:

(۶) الف- او ریگ در کفش دارد.

ب- گاوت زاییده.

ج- او بالاخونه‌اش رو اجاره داده.

این اصطلاحات دقیقاً مانند مجموعه مثال‌های (۱) و (۲) مجاز به تغییرات و تنوعات واژگانی و ساختاری می‌باشند، تنها به شرطی که در معنای تحت‌اللفظی خود به کار روند. همان‌گونه که در شماره‌ی (۷) مشاهده می‌شود، گونه‌ی تغییریافته‌ی این اصطلاحات معنای اصطلاحی و استعاری خود را از دست می‌دهند.

(۷) الف- او سنگریزه در کفشش رفته است.

ب- گاو تو وضع حمل کرده است.

ج- او طبقه‌ی بالای منزلش را اجاره داده است.

این مثال‌ها حاکی از آن‌اند که واژه‌ها در جمله مادامی‌که آن جمله در معنای انباشتی^۲ خود به کار رود می‌توانند جایگزین مترادف‌های خود شوند و یا جابجا شوند، اما در خوانش اصطلاحی، این امکان به‌کلی از دست می‌رود.

اکنون جا دارد این سؤال را مطرح کنیم که آیا این موضوع صحیح است که انباشتی^۳ شرط ضروری برای انتخاب واژه‌های جایگزین و یا چیدمان جدید می‌باشد. به مثال‌های (۸) توجه کنید:

(۸) الف- غم آخرتون باشه (خطاب به یک فرد عزادار)

ب- به‌پای پیرشین (خطاب به یک زوج جوان)

ج- شکر میون کلامت (در هنگام نوبت‌گیری در مکالمه)

د- به امید دیدار (هنگام وداع)

این جملات در زمره‌ی اصطلاحات نمی‌باشند: آن‌ها انباشتی هستند و همان‌طور که در شماره‌ی (۹) نشان داده‌شده، می‌توانند به روش‌های دیگری نیز بیان شوند:

^۱ idiom principle

^۲ compositional

^۳ compositionality

(۹) الف- امیدوارم دیگر غم از دست دادن عزیز دیگری را تجربه نکنید.

ب- امیدوارم آن قدر در کنار هم زندگی کنید تا هر دو پیر شوید.

ج- شکر در وسط سُخت.

د- امیدوارم همدیگر را مجدداً ببینیم.

جملات جایگزین در (۹) همگی عباراتی صحیح و ممکن هستند، اما احتمال وقوع آن‌ها در بافتی که برای هر جمله در (۸) بیان شده، بسیار ضعیف است. این معانی اگرچه می‌توانند متفاوت از آنچه در (۸) آمده بیان شوند، اما واقعیت این است که این اتفاق معمولاً روی نمی‌دهد. در این موارد به نظر می‌رسد که سخنگوی زبان آزادی عمل گسترده‌ای را که زبان برای انتخاب عبارت جایگزین جهت بیان مفهومی واحد (در سطح جمله) در اختیارش می‌نهد به کلی به کنار می‌گذارد و تنها یک صورت واحد را برمی‌گزیند. عبارت‌های (۸) را می‌توان از نمونه‌های اعلا **فرمولواره‌ها** دانست. درواقع فرمولواره عبارتی است که گویشوران بالفعل آن را به تمامی دگرگفت‌های بالقوه‌اش ترجیح می‌دهند.

۱-۲. تعریف فرمولواره

پیش از هرگونه بحثی بر سر موضوع فرمولواره‌ها، نخست می‌بایست تعریفی مانع و جامع از این پدیده در دست داشته باشیم. اشمیت^۱ (۲۰۱۰ : ۱۱۸) معتقد است این یک پدیده‌ی همگن نیست و این امر تا حدودی بدین علت است که تنوع و گوناگونی بزرگی را شاهد هستیم. درواقع رواج، وفور و گوناگونی توالی‌های فرمولواره‌ای رسیدن به تعریفی ساده را دشوار می‌کند. به گفته وب^۲ و نیشن^۳ (۲۰۱۱) "کثرت اصطلاحات گوناگون که برای توصیف واحدهای چند واژه‌ای به کار می‌رود کاملاً می‌تواند دشواری تعریف آن‌ها را منعکس می‌کند؛ اصطلاحاتی از قبیل باهم‌آیی‌ها^۴، توالی‌های فرمولواره‌ای^۵، دسته‌های واژگانی^۶، توده‌های تجزیه نشده‌ی گفتار^۷، عبارت‌های منجمد^۸، الگوهای از پیش ساخته‌شده، و غیره." نبود اجماع بر سر تعریف فرمولواره‌ها زبان‌شناسان را بر آن داشت تا بکوشند زبان فرمولواره‌ای را به شیوه‌ها و منظرهای

^۱ Schmitt

^۲ Webb

^۳ Nation

^۴ collocations

^۵ formulaic sequence

^۶ lexical bunches

^۷ unanalyzed multiword chunks

^۸ Frozen expression

گوناگون مقوله‌بندی کنند. به‌عنوان مثال برخی ممکن است بر روی هدفی که زبان فرمولواره‌ای به کار می‌رود تمرکز کنند؛ اهدافی از قبیل تبادلی^۱، نقشی^۲، یا تعامل اجتماعی^۳. دیگران کوشیده‌اند تا زبان فرمولواره‌ای را از منظر شفافیت معنایی^۴ مقوله‌بندی کنند: اصطلاحات هسته‌ای^۵ که هیچ معنایی برای فرد ناآشنا ندارند؛ استعاره‌ها^۶ که هم می‌توان معنایی تحت‌اللفظی و هم استعاری از آن دریافت کرد؛ و تحت‌اللفظی‌ها^۷ که نشان‌دهنده‌ی انباشتگی معنایی‌اند، به‌گونه‌ای که می‌توان آن‌ها را شکست و به اجزای تشکیل‌دهنده تحلیل کرد (گرت^۸ و باور^۹ ۲۰۰۴). از این گذشته به عقیده‌ی اشمیت و کارتر^{۱۰} (۳:۲۰۰۴) این توالی‌ها می‌توانند تماماً ثابت باشند و یا دارای جایگاه‌هایی تُهی باشند که توسط واژه یا زنجیره‌ای از واژه‌های مناسب پُر می‌شوند. آن‌ها می‌توانند به لحاظ واژگانی ثابت و متغیر باشند، به لحاظ دستوری نیز می‌توانند ثابت، متغیر و یا حتّی ناقص باشند. درواقع این شرح می‌تواند به همین‌گونه پیش رود و کمک کند تا دریابیم که چرا زبان‌شناسان حتّی بر سر این که زبان فرمولواره‌ای چیست نیز به‌سختی اجماع دارند. وب و نیشین (۱۷۹:۲۰۱۱) به این نتیجه رسیده‌اند که تعریف می‌تواند لزوماً به فراخور هدف خاص هر پژوهش تغییر کند و آنچه مهم است این است که می‌بایست (الف) معیارها به‌وضوح تعریف شوند و (ب) معیارها در سراسر هر پژوهش به‌طور یکدست و منسجم اعمال شوند. وود^{۱۱} (۳۸:۲۰۱۰) بیان می‌دارد که از منظر شناختی می‌توان گفت که اصطلاح توالی فرمولواره‌ای به‌منظور توصیف واحدهای چند واژه‌ای زبان ابداع گشته که در حافظه‌ی دراز مدّت ذخیره گشته‌اند به‌طوری‌که گویا واحدهای واژگانی منفرد هستند. شاید یکی از مقبول‌ترین و معروف‌ترین تعاریف از فرمولواره‌ها، تعریف ری^{۱۲} (الف ۹: ۲۰۰۰) باشد که در زیر آمده است؛ وی در کتاب خود اصطلاح "توالی فرمولواره‌ای" را این‌گونه تعریف می‌کند:

توالی‌ای پیوسته و یا گسسته از واژه‌ها و یا دیگر عناصر زبانی که آماده و از پیش ساخته شده هستند؛ یعنی به‌طور یکجا در حافظه ذخیره هستند و در هنگام استفاده به‌جای این که توسط دستور زبان تولید و تحلیل شوند به‌صورت یک واحد کل از حافظه بیرون کشیده می‌شوند.

¹ transactional

² functional

³ social interactional

⁴ transparency of meaning

⁵ core idioms

⁶ figuratives

⁷ literals

⁸ Grant

⁹ Bauer

¹⁰ Carter

¹¹ Wood

¹² Wray

اشمیت (۲۰۱۰: ۳۳) بر این باور است که تعریف فوق نمونه‌ای از رویکرد روان‌شناختی به زبان است که در آن زبان فرمولواره‌ای به صورت یک واحدی کلی ذخیره شده در ذهن انگاشته می‌شود.

ری در ادامه می‌گوید: مانند هر پدیده پیچیده دیگر، تعریفی جامع و مانع از زبان فرمولواره‌ای تا زمانی که مطالب بسیاری راجع به آن ندانیم بسیار مشکل است، اما در این مختصر می‌توان گفت که فرمولواره شامل دو یا تعداد بیشتری واژه است که ممکن است مجاور هم باشند یا نباشند، اما چنان پیوستگی متقابلی دارند که تأثیری دستوری، معنایی، کاربردشناختی و متنی توأمان و فراتر از مجموع فرد فرد واژه‌ها را می‌رسانند. (براون و همکاران: ۲۰۰۵: ۵۹۱). به عنوان مثال زنجیره واژگانی با زحمت‌های ما رابطه‌ای را بین دو مشارک گفتمان فاش می‌کند که بر اساس آن درمی‌یابیم **الف**: (مشارک دوم [شنونده]) **ب**: (اخیراً) **پ**: (لطفی) **ت**: (در حق مشارک اول [گوینده]) کرده است، بدون اینکه هیچ‌یک از این واژه‌ها صراحتاً چنین رابطه‌ای را القا کنند. در مجموع می‌توان گفت که مطالعه فرمولواره‌ها در حقیقت بررسی سازوکارهایی است که زبان برای رهایی از تکلف تولید و پردازش عبارت‌های بدیع و خلق الساعه در خود تنیده است.

آنچه در چند سطر آینده می‌آید تعریف فرمولواره‌ها و زبان فرمولواره‌ای است به نقل از فرهنگ اصطلاحات زبان‌شناسی لانگ‌من، نوشته‌ی ریچاردز^۱ و اشمیت^۲ ([۲۰۰۲] ۱۹۸۵): «فرمولواره‌ها توالی‌ای از واژه‌هایی‌اند که ذخیره شده‌اند و در هنگام استفاده به جای این که با استفاده از تمامی امکانات زبان و در چارچوب قواعد دستوری تولید شوند، به عنوان یک واحد کلی از حافظه بازیابی می‌گردند. توالی‌های فرمولواره‌ای ممکن است به لحاظ معنایی شفاف و به لحاظ دستوری منظم باشند و یا این که در صورت و معنا نامنظم باشند مانند اصطلاحات. توالی‌های فرمولواره‌ای ممکن است در ابتدا به عنوان یک واحد فراگرفته شوند، بدون درک ساختار درونی، و سپس به گونه‌ای تحلیل شوند که عناصر درونی بتوانند به طور زایا به کار گرفته شوند. توالی‌های فرمولواره‌ای ممکن است از واحدهای کوچک‌تر ساخته شوند اما به عنوان یک واحد کلی برای استفاده‌های آتی ذخیره شوند. برخی از انواع فرمولواره‌ها دارای جایگاه‌های خالی هستند که توسط عناصر مشخصی از یک مقوله‌ی نحوی به خصوص پُر می‌شوند. اعتقاد بر این است که زبان فرمولواره‌ای چندین کاربرد دارد، از جمله صرفه‌جویی در صرف انرژی در پردازش، افزایش سلاست و اصطلاح‌گذاری^۳ و نیز درک و شناسایی بافت‌های تعاملی مشخص.»

^۱ J. C. Richards

^۲ R. Schmidt

^۳ idiomaticity

وجود فرمولواره‌ها یکی از بارزترین مصادیق رعایت اصل اقتصاد در زبان‌ها است. برای درک بهتر این مطلب زبانی فرضی را در نظر بگیرید که فاقد هر نوع فرمولواره است، بدین معنا که هیچ‌گونه ساخت از پیش‌ساخته‌شده که بامعنا و بافت خاصی مرتبط است در آن زبان وجود ندارد. در چنین زبانی تمام جملات قاعدتاً برحسب نیاز و بافتی مُعین به‌طور بدیع^۱ و خلق‌الساعه تولید می‌شوند. زبان فاقد فرمولواره برای هر موقعیت و مفهوم می‌بایست جمله‌ای بدیع تولید کند که اغلب بسیار طولانی‌تر از همتای فرمولواره‌ای خود است. جمله‌ی غیر فرمولواره‌ای همچنین نیازمند تلاش بسیار جهت پردازش و تولید می‌باشد که هم گوینده و هم شنونده را با تکلف مواجه می‌کند، اما در زبان‌های طبیعی به یمن وجود فرمولواره‌ها امر پردازش و تولید به مراتب آسان‌تر انجام می‌گیرد. هر فرمولواره را می‌توان تلفیقی دانست از یک ساخت، یک معنا و بافت؛ به همین دلیل زبان‌شناسان معتقدند که فرمولواره‌ها ساخت‌هایی نهادینه‌شده‌اند^۲. منظور از نهادینه شدن این است که یک توالی ثابت از واژه‌ها برای بیان یک مفهوم اجتماعی- فرهنگی تخصیص یافته‌اند، به‌طوری‌که هرکدام تداعی‌کننده‌ی دیگری هستند. به عبارت دیگر، هم فرمولواره آن بافت و معنای به‌خصوص را تداعی می‌کند و هم آن بافت و معنای به‌خصوص فرمولواره‌ی مربوط به خود را به ذهن گویشور متبادر می‌سازد. به عنوان مثال فرمولواره‌ی «غم آخرتون باشه» یک مجلس ترحیم را تداعی می‌کند و همچنین حضور در یک مجلس ترحیم فرمولواره‌ی فوق را به ذهن گویشور فارسی‌زبان متبادر می‌سازد.

پژوهشگران بر این باورند که تسلط کامل و روان بر یک زبان تا حدود زیادی مشروط به دانستن تعداد زیادی فرمولواره می‌باشد که زبان بشر برای بیان مفاهیم مختلف در بافت‌های گوناگون در خود تنیده است. بنابراین بررسی فرمولواره‌ها به همراه تطبیق آن‌ها با بافت موردنظر هر فرمولواره می‌تواند زبان‌شناسان را به درک صحیح‌تر و عمیق‌تری از دانش زبانی گویشوران نزدیک سازد (پاولی و سایدر ۱۹۸۳).

۱-۳. فرمولواره‌ها و ایجاد موقعیت طنز

با اندکی تأمل در معنا و بافت کاربردی عبارات فوق درمی‌یابیم که هرکدام از آن‌ها با عبارات بدیع زبان از چند لحاظ متفاوت می‌باشند:

^۱ nonce form

^۲ institutionalized